

سبک شناسی نثر صفحاتی از کتاب تاریخ الوزراء

اثری از نجم الدین ابوالرجاء قمی

تکلیف سبک نثر متون فارسی

سیده مونا حسینی (۴۱۰۲۹۹۰۵۱)

بهار و تابستان ۰۲

صفحاتی که به دست شما رسیده است تکلیف دوم سبک نثر متون فارسی در مقطع کارشناسی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران است. نویسنده این سطور سعی کرده است با مشخص کردن پاره‌ای از خصوصیات زبانی، ادبی و فکری این نثر درباره سبک شخصی مؤلف اطلاعاتی به دست آورد.

کتاب تاریخ الوزراء اثر نجم الدین ابوالرجاء قمی، شرح وقایع مهم زندگی چندی از وزیران دوره سلجوقی است. نجم الدین ابوالرجاء قمی دبیر و نویسنده دیوان سلجوقی بود و این کتاب در نظر مؤلف ادامه کار انوشروان بن خالد کاشانی در نفثه المصدر است و به «ذیل نفثه المصدر» نیز شناخته شده است. وی در دیباجه کتاب می‌گوید: «غرض از این تسبب آن است که دوستی عزیز بر من اقتراح کرد که بر منوال نفثه المصدر، تألیف وزیر شرف الدین انوشروان بن خالد، قدس الله روحه تصنیفی سازم و ذکر وزرای اصحاب مناصب که بعد از این بوده اند بر اسماع معاصران خویش عرض کنم، شئت ام ابیت حکم» او را امتثال نمودم، و در این مختصر شرح کردم نصوص حکایات را چنانکه دیده بودم و شنیده نقل افتاد. توقع از مکارم اخلاق، دوستان کثرهم الله آن است که آن را به عین الرضا نگرند و اگر بر هفتوی واقف شوند، از آن تجاوزکن تا به منت مقابل شود. استاد شرف الدین انوشروان ختم نفثه المصدر، به حادثه قوام الدین ابوالقاسم نورالله، ضریحه، کرد بی آنکه وزارت سلطان سنجر را و وزارت دوم او را شرحی مشبع داده چون بر تلفیق این مختصر عزم مصمم شد؛ ضرورت است احوال قوام الدین در وزارت سلطان سنجر و وزارت عراق در کورت دوم که «العود احمد» بود باز، کردن و بندی از آن نمودن». از همین بند می‌توان متوجه قصد نویسنده از تألیف اثر شد و این راه‌گشای خوبی در متن است. این کتاب به قصد خودنمایی یا به دستور سلطانی نوشته نشده است و هر آنچه در آن آمده تنها دیده‌ها و نوشته‌های نویسنده یا آن دسته روایاتی است که از منبع دست اول آن را شنیده است. البته شاید همین باعث شده است که نویسنده در آوردن وقایع تاریخی تاریخ آن را ذکر نکند و تنها آنچه به یاد می‌آورد را بنویسد و بعد از هر بند به حاشیه بپردازد و از آن نتیجه اخلاقی بگیرد.

در هیچ جای این اثر یا به دلیل آسیب دیدگی برگ‌هایی از نسخه یا به دلایل دیگر از مؤلف آن نامی برده نشده. اولین بار استفان فربنکس توانست نام مؤلف آن را از کتاب وراوینی بیابد. از اطلاعاتی که مؤلف درباره خود در میان مطالب کتاب نوشته می‌توان حدس زد که او از خاندان‌های دیوانی بوده است و در همدان سکونت داشته. همچنین می‌توان متوجه شد که او در کتابخانه ای کار می‌کرده و این اثر را در در تاریخ میانه ۵۸۰ تا ۵۹۰ نوشته است. البته جناب دانش پژوه سعی کرده است با نگاه دقیق‌تر به صفحات آخر کتاب تاریخ مشخص‌تری تعیین کند و آن ۵۸۴ ه.ق سال خاتمه کتاب است.

این اثر به کوشش محمد تقی دانش پژوه در موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی در ۴۳۹ صفحه به سال ۱۳۶۳ به چاپ رسید و نام تاریخ الوزراء بر آن نهاده شد. این نام در نسخ نیامده و همه جا نام آن «ذیل نفثه المصدر» است.

این تکلیف بررسی متن کامل کتاب تاریخ الوزراء نیست و تنها نمونه برداری‌ای از ۳۵ صفحه از متن کامل چاپ ۱۳۶۳ (صفحات ۱ تا ۱۰، ۱۲۶ تا ۱۴۱ و ۲۶۰ تا ۲۶۹) است.

نگاه کلی به متن

- این اثر شامل ۱۷ فصل است. نام فصول عبارتند از:
۱. وزارت قوام الدین ابوالقاسم
 ۲. وزارت شرف الدین علی بن ابی الرجاء
 ۳. وزارت شرف الدین نوشیروان بن خالد
 ۴. وزارت عماد الدین ابوالبرکات
 ۵. وزارت کمال الدین محمد خازن
 ۶. وزارت عزالملک مجد الدین
 ۷. وزارت تاج الدین ابوطالب
 ۸. وزارت شمس الدین ابونجیب
 ۹. وزارت جلال الدین ابن قوام ابوالقاسم
 ۱۰. وزارت دوم شمس الدین ابونجیب
 ۱۱. وزارت شهاب الدین حامدی
 ۱۲. وزارت فخر الدین کاشی
 ۱۳. وزارت دوم جلال الدین
 ۱۴. وزارت قوام الدین پسر قوام ابوالقاسم
 ۱۵. وزارت صاحب کمال الدین ابوشجاع
 ۱۶. وزارت صاحب عضد الدین
 ۱۷. وزارت صاحب عزیز الدین

تعداد صفحات	۳۵ صفحه
تعداد کلمات در ۳۵ صفحه	۹۳۴۱ کلمه
میانگین تعداد کلمات در هر صفحه	۲۶۵ کلمه
درصد میانگین تقریبی کلمات عربی	۲۶٪
تعداد اشعار عربی در ۳۵ صفحه	۱۱ بیت
تعداد اشعار فارسی در ۳۵ صفحه	۹ بیت

توضیحی درباره نوع نثر کتاب

همانطور که در مقدمه ذکر شد نثر این کتاب به قصد خودنمایی و صله نوشته نشده است. نجم الدین ابوالرجاء به هدف نوشتن دیده‌ها و نوشته‌هایش به درخواست دوستی این کتاب را نوشته و در اکثر مواقع به دور از حواشی مدح است. این باعث می‌شود نثر کتاب ویژگی‌های نثر مرسل را داشته باشد و به جز گه گاهی اشعار میان متن و استشهاد از قرآن متن را می‌توان به آسانی خواند. جملات این متن کوتاه‌اند. نویسنده گاه گاهی در نوشته‌های خود اغراق می‌کند و راه تمثیل و کنایه را پیش می‌گیرد.

ویژگی‌های رسم الخطی

الف) وارد نکردن «واو»:

الف. ۱) سلجق

۱. «ساعات مردم در سایه دولت سلجقی موسم اقبال و سعادت باد» (ص ۲۶۸، س ۱۵) این مثال را در قسمت تلفظ به آن دلیل نیاوردیم که در این کتاب کلمه سلجق با املائی «سلجوق» نیز آمده است. این کلمه اسم خاص است و امکان تغییر تلفظ آن بسیار کم است. گمان می‌کنم هر دو املائی این کلمه وجود داشته است.

الف. ۲) طاوس

۲. «طاوس اقبال بر سر او جلوه گر آمد.» (ص ۸، س ۲۷) این مثال را در قسمت تلفظ به آن دلیل نیاوردیم که بعد از جستجو در پیکره فرهنگستان متوجه شدم در شاعران همعصر ابوالرجاء (البته با موقعیت جغرافیایی متفاوت از او) این کلمه را با کلماتی مانند «ناموس» و «منحوس» قافیه کرده‌اند پس گمان بردم که تلفظ آن مانند امروز طاووس است اما رسم الخط این کتاب متفاوت است.

ویژگی‌های زبانی

الف) تلفظ

الف. ۱) ابدال

۱. تبدیل سپهسالار به اسفہسالار
«امیر اسفہسالار قماج و جماعتی امرا در این معنی بدست او مار گرفتند» (ص ۴، س ۱)
۲. تبدیل سپهبد به اسفہبد
«سیده مادر مجدالدوله دختر اسفہبد شروین بن المرزبان بود» (ص ۱۳۸، س ۵)
۳. تبدیل فیروزه یا پیروزه به بیروزه
«دوستان او چون بیروزه بودند؛ به وقت آنکه هوا صافی باشد روشن نماید، چون هوا تیره گردد روشنی آن کم شود.» (ص ۱۲۷، س ۱۸)
۴. تبدیل فولاد به پولاد
«اما روی چون پولاد داشت مایه تکبر و نخوت و خساست بود» (ص ۱۲۸، س ۱۷)
۵. تبدیل آذربایجان به آذربایگان
«سلطان مسعود بهارگاه از بغداد به آذربایگان رفت» (ص ۱۳۶، س ۲۰)
۶. تبدیل سبد به سفت
«گزینه سرسفت لطافت» (ص ۱۴۰، س ۲)

الف. ۲) تلفظ یاء مجهول (و وارد کردن آن در رسم الخط)

۱. دیه به جای ده

« کبوتردار کبوتران را در دیه پنهان کرد » (ص ۱۳۵، س ۲۳)

ب) واژه

ب.۱) اسامی ترکی

۱. «امیر عباس و ناصر الدین قتلغ آبه و مقطع قزوین بهم متفق شدند» (ص ۱۳۵، س ۱۳)
۲. «او را امیر حاجب عبدالرحمن و خاصبک افگندند» (ص ۱۳۵، س ۳)
۳. «امیر اسفهلار قماچ و جماعتی امرا در این معنی بدست او مار گرفتند» (ص ۴، س ۱)

ب.۲) عبارات عربی در میان متن فارسی

۱. «روزی چند در عرصه لعل وعسی می پوید» (ص ۱۳۵، س ۸)
۲. «راه ری بر گرفت اتخذ اللیل جملا تا دیگر روز اتابک بوزابه و امیر عباس متنی دانست» (ص ۱۳۷، س ۱۱)
۳. «در این حال در قم فذلک حساب فضلاء زین الدین محمد بن ابی نصر است ابا عن جد از خاندان علم و فضل» (ص ۲۶۰، س ۸)

ج) جمله

ج.۱) جملات کوتاه و پیاپی

۱. «سلطان به حال رضا باز آمد. کس فرستادند و نصیر الدین را خواندند. گفتند: ...» (ص ۶، س ۶)
۲. «زن مؤید الدین بروی مستولی بود، بی رضای او بر عز الملک حیفی می کرد. استیلای زنان و بال باشد.» (ص ۱۳۳، س ۲۵)
۳. «و چون جهان را به دیبای رنگارنگ بیار استند، و بلبلان تهنیت گل آغاز کردند و از هر دست نثاری در باغ ها فشاند اتابک مظفرالدین وزارت خویش بر صاحب رضی الدین رئیس اردبیل مفوض نمود» (ص ۲۶۳، س ۲۰)

د) فعل

د.۱) استفاده از هر دو وجه مصدری و مصدر مرخم در ساخت آینده

۱. «امروز میقات یوم معلوم است، به استماع مناظره مشغول خواهیم بودن» (ص ۴، س ۲۴)
۲. «سراپرده او روضه رضوان خواهد شدن» (ص ۵، س ۳)
۳. «بهشت برین برای عرض خواهند کردن» (ص ۵، س ۴)
۴. «روزگار دولت سنجقی تا قیام الساعة رونق و طراوت خواهد داشت» (ص ۲۶۸، س ۹)
۵. «ابو طالب کدخدای اتابک بوزا به خواهد بود.» (ص ۱۲۸، س ۱۵)

د.۲) استفاده از وجه مصدری بعد از فعل توانستن و شایستن

۱. «آن جماعت که با وی متفق بودند فراچاه نتوان رفتن» (ص ۸، س ۲)

۲. «بسیار کار به سوزن شاید کردن که به نیزه نتوان کردن» (ص ۹، س ۲۷)
۳. «چون طوق فاخته آمد که جز به کشتن از وی نتوان ستدن» (ص ۱۲۸، س ۱)
۴. «سیاهی از چشم نشاید شستن.» (ص ۸، س ۱۶)

د.۳) استفاده از وجه اخباری

در مقاله «سبک شناسی انتقادی تاریخ الوزراء» از جعفریان و اسکویی مقدمه ای مفصل درباره متون سلجوقی و نویسندگان آن‌ها آورده شده. به صورت خلاصه مسئله آن است که سلجوقیان برای محکم کردن ستون‌های حکومت خود نیاز به حمایت بغداد و مشروعیت سلطنتشان داشتند. دیوان سلجوقی در راستای این هدف متون خود را در سایه ایدئولوژی سیاسی و مذهبی می‌نوشت و این نیازمند قطعی بودن مطالب بود. یکی از راه‌های این قطعی بودن استفاده از جملات اخباری و قیود تأکید است. ابوالرجاء نیز همراه دیگر دیوانیان سلجوقی از این نکته باخبر است و از آن استفاده می‌کند به طوری که ۴۴٪ جملات او وجه اخباری دارند.

۱. «دولت سلجوقی چون دندان سوسمار است که هرگز نیفتد. ملوک متقدم چون آب زلال بودند که با پول باشد روزگار دولت سلجوقی تا قیام الساعة رونق و طراوت خواهد داشت. آفتابی اند که زایل نشود ماهی اند که آن را محاق نباشد» (ص ۲۶۸، س ۷) (استفاده از قید «هرگز» و «تا قیام الساعة» نشان دهنده اطمینان مؤلف از متن خود است.)
۲. «دولت سلجوق دریاپی است فلک در آن کشتی و ستاره‌ها بادبان درخت سلطنت ایشان ریشه به آب زیرزمین برده است، و از آب جوی و باران مستغنی شده.» (ص ۲۶۴، س ۷)
۳. «سلطان سنجر را از قوام الدین واقعی تمام در دل بود، او را یگانه روزگار و روزگار دانست عکس اقبال شاهنشاهی بر روی آینه دوستی او افتاد و نوبت عزل او چون ناخن به سر آمد. او را از عزل خود نقصان نبود تاریکی شب روشنی ماه را زیان ندارد.» (ص ۲، س ۲)

ه) حرف اضافه

هـ ۱) استفاده از «با» به جای «به»

۱. «مفتاح آن قفل عسیر بادست آوردند» (ص ۱۲۶، س ۱۷)
۲. «و عالمی فاضل خائبا خاسراً باز اویه رفت» (ص ۱۳۲، س ۹)
۳. «و عبرت قوانین که به عبرت شده بود به مکان او باحد اعتدال آوردند» (ص ۲۶۱، س ۱۱)

ویژگی‌های ادبی

الف) بدیع

الف.۱) اغراق

با آن که هدف نشر کتاب به صورت کلی حکم می‌کند که مؤلف از اغراق استفاده نکند اما گاه گاه سادگی نثر از دست مؤلف خارج می‌شود و به حاشیه می‌پردازد. یکی از این حاشیه‌ها اغراق در وضعیت وزارت بعضی نفرات است.

۱. «یافت آفتاب عدل از زیر میغ ظلم بیرون آمد، فلک خواهان آن شد که خاک قدم او شود وزارت به وی تشریف

هفت قدم. ستاره سیاره را آرزو آمد که کمر خدمت او بر میان بندد» (ص ۲۶۵، س ۶)

۲. «غاشیه دار او زهره بود و رکابدار او مشتری مازندران را سریر عظمت ساخت و تاج عزت بر سر آن بقعه نهاد. ابر

مازندران گوهر بارید و زمین کان زر شد.» (ص ۲۶۲، س ۱۱)

الف. ۲) تمثیل

در ادامه حاشیه پردازی‌های مؤلف یکی دیگر از مثال‌های آن به کار بردن حداقل یک بند تمثیل و ضرب المثل برای یک اتفاق است. این مسئله چنان در کتاب بسامد دارد که می‌توان این نوع توصیف موقعیت را یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های متن ابوالرءاء دانست.

۱. «سلطان سنجر را از قوام الدین واقعی تمام در دل بود، او را یگانه روزگار و روزگار دانست عکس اقبال شاهنشاهی

بر روی آینه دوستی او افتاد و نوبت عزل او چون ناخن به سر آمد. او را از عزل خود نقصان نبود تاریکی شب

روشنی ماه را زیان ندارد. زر در خاک نیوسد، و رنگ بنگر داند باز را جهت عزت در بندند. خورشید و ماه را که

جهان افروزند کسوف و خسوف بود. روزگار همه روز روشن، نباشد یک نیمه ظلمات شب باشد» (ص ۲، س ۲)

۲. «تصدر برایشان عیب نبود. پرستارگان بدانکه روشنایی ایشان از روشنایی ماه کم باشد، نقصانی ظاهر نشود اگر چه

او در احتشام، اکنده تر از نار بود. تهی دستان را در حساب باید گرفت. شمشیر آنگه برد که برهنه بود، مار خرد

بتر هلاک کند. تیر تا ضعیف نباشد کارگر نباشد. کارزار به آهن کنند نه به زر. خورشید از ذنب در کسوف افتد.

الماس هیچ چیز کار نکند جز، سرب که از همه کمتر است بسیار جای در نرد، باشد که نقش یکی بهتر از نقش

شش باشد. ...» (ص ۹، س ۱۴)

۳. «خدمتکاران عز الملک همچون او جاهل بودند. جلاب گوسفند را جلاب جز روغ نباشد اهل هنر در عهد او

همچون گلی بودند که آن را روز صبح جرعه بر سر ریزند چون ماه بودند که در تاریکی باشد پس از این خمر

خمار، است و پس از این مستی هشیاری چاکی فرزانه باید که به ترک کرشمه دنیا بگوید. تمنی مردم اختلام،

است از آن جز غسل حاصلی نباشد» (ص ۱۳۴، س ۲۰)

الف. ۳) ضرب المثل‌هایی که احتمالاً منشأ عربی دارند

۱. «سرای او که چون سفینه نوح بود که در آن همه چیز یافتندی.» (ص ۱۲۶، س ۲۴) معادل عربی «قد تضرب سفینه

نوح مثلاً للشیء الجامع لأن نوحاً حمل فیها من کلّ زوجین اثنتین.» یعنی «گاهی در جامعیت به کشتی نوح مثل

می‌زنند، زیرا نوح از هر زوجی، جفتی نهاد.» (ثمار القلوب، ثعالبی، ۱۹۸۵م: ۳۹) «بیگ زاده و یاری گل‌دره،

(ص ۱۳۹۳، ۴۴)

۲. «پیش ما باد است که در قفس می‌کنی.» (ص ۱۴۱، س ۱۵) معادل عربی «ریح فی القفص» (مجمع الامثال، میدانی

نيسابوری، بی‌تا، ج ۱: ۳۳۰) «همان»

۳. «چون شیر شرز به بود که دندان نه از خنده نمود.» (ص ۶، س ۱۹) از شعر متنبی: «إذا رأیت نیوب اللیث بارزه-فلا

تظن أن اللیث یتسم» (طباطبائی، ۱۳۸۹، ص ۸)

ویژگی‌های فکری

الف) این کتاب به لحاظ تحقیقی یکی از مهم‌ترین منابع در شناخت نظام دیوانی دوره سلجوقی است. دقایق و ظرایفی که توسط نویسنده ذکر شده شبیه به مطالبی است که بیهقی در کتاب خودش برای خواننده ذکر می‌کند. نام وزراء، کارهایی که هر کدام کرده‌اند و علل نصب و عزل هر کدام به روشنی در کتاب بیان شده است و متن نسبتاً ساده آن راه‌گشای دسترسی به مطالب است. توجه به بافت تاریخ ادبیاتی متن نیز تفاوت این اثر را با بقیه آثار هم‌عصر خود مشخص می‌کند. در تاریخ ادبیات ایران نوشته ذبیح الله صفا می‌خوانیم که در عصر این نویسنده، اواخر قرن ششم، نثر مصنوع در میان نویسندگان رواج داشته است. با استناد به حرف ذبیح الله صفا می‌توان انحراف این متن از متون معیار زمان و هدف و قصد متفاوت نویسنده را آشکارا نگریست.

ب) یکی از ویژگی‌های ذکر شده درباره این کتاب اطلاعات یگانه‌ای است که در این کتاب درباره جانوران مختلف آورده شده. بیشتر این اطلاعات در قسمت تمثیل‌ها و کنایاتی آمده که قبل درباره آن سخن رفت. به دلیل نویی یا کمتر آشنا بودن این اطلاعات، می‌توان آن‌ها را از ویژگی‌های سبکی ابوالرجاء قمی شمرد. (این قسمت را ذیل سبک فکری آوردم چرا که به علم مؤلف اثر به علوم مختلف اشاره می‌کند و ذیل ویژگی زبانی و ادبی جای نمی‌گیرد.)

۱. «همچون آهو بودند که چون ماه تمام باشد، روشنی چشم او زیادت شود؛ چون در محاق افتد، روشنی چشم او

کمتر شود.» (ص ۱۲۷، س ۲۰)

۲. «موش مردار هلاک کند آفتاب از دود تاریک نماند. پیل از پشه ضجر گردد بسیار کار به سوزن شاید کردن.»

(ص ۹، س ۲۷)

۳. «دولت سلجوقی چون دندان سوسمار است که هرگز نیفتد.» (ص ۲۶۸، س ۷)

۴. «از دست عز الملک چنان گریخته بود کبوتر از چنگ باز. روزگار عطله خویش چنان می‌شمرد که زن شوهر

مرده روزگار عده خویش مانند غراب منتظر مرگ شتر، برریش نشسته بود چون خبر حادثه عز الملک به وی

رسید، در فرج و فرح بروی گشاده شد.» (ص ۱۳۳، س ۳)

۵. «کفتار بود که یک سال نر باشد و یک سال ماده» (ص ۱۲۷، س ۱۸)

منابع

- بهار، محمد تقی، سبک‌شناسی، امیرکبیر، ۲۵۳۵ شاهنشاهی.
- صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران، فردوس، ۱۳۶۹.
- ناتل خانلری، پرویز، تاریخ زبان فارسی، سیمرغ، ۱۳۷۴.
- نجم‌الدین ابوالرجاء قمی، تاریخ الوزراء، به کوشش محمد تقی دانش‌پژوه، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳.
- نجم‌الدین ابوالرجاء قمی، تاریخ الوزراء، رونویسی حسین مدرس طباطبائی، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹.
- بیگزاده، خلیل؛ یاری گل‌دره، سهیل (۱۳۹۳)، دو ویژگی برجسته سبکی تاریخ الوزراء ابوالرجاء قمی، نشریه سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، ش ۲۷.
- جعفریان، زهرا؛ اسکویی، نرگس (۱۳۹۹)، سبک‌شناسی انتقادی «تاریخ الوزراء»، نشریه مطالعات زبانی بلاغی، ش ۲۲.